



در این شماره:

سر سخن ۲

پیام آذر ماجدی بمناسبت
اول ماه مه ۲

آپارتاید جنسی عرصه جدال
جنبش آزادی زن ۳

خانه مدوسا: مصاحبه با
شهرلا نوری ۴

گزارشهایی از ۸ مارس از
زبان فعالین داخل ۵

اطلاعیه ها ۸
جان دلارا دارابی در خطر
است
هر تعبیری از قانون شریعه
ضد زن است
مردم عقب نمی نشینند!
یورش به زنان محکوم است

گزارشی تکان دهنده از
ایران ۱۰

از میان نامه ها ۱۱

سرسخن

این شماره نشریه آزادی زن با تاخیری چند هفته ای به دستتان میرسد. از این بابت از خوانندگان عزیز آزادی زن پوزش می‌خواهیم. مشکلات شخصی و جسمی، پروین کابلی، سردبیر موجب این تاخیر بود. بزودی پروین کابلی کار انتشار نشریه را از سر خواهد گرفت.

این شماره بعلت وقفه ای که در انتشار آزادی زن افتاده مفصل تر از معمول چاپ میشود. علیرغم گذشت یک ماه از ۸ مارس، نظر به اهمیت گزارش هایی که از ۸ مارس در ایران داشتیم و از این رو که تصویری زنده از جنب و جوش و فعالیت های وسیع و توده ای از ۸ مارس میدهد، این گزارش را در این شماره منتشر میکنیم. خواندن این گزارش را به همه خوانندگان و فعالین حقوق زن توصیه میکنیم. دست همه دوستانی که برای یک ۸ مارس گسترده تلاش کردند و همچنین ستاد ۸ مارس سازمان آزادی زن که برای ۸ مارس شبانه روزی فعالیت کرد و این گزارش را تهیه نمود، به گرمی می‌فشاریم. شرایط جامعه ایران بسیار متحول و پرتکاپو است. حملات وحشیانه رژیم اسلامی به زنان به علت "بدحجابی" خشم و اعتراض گسترده بین المللی را برانگیخته است. باید مقاومتی گسترده و توده ای را در مقابل این یورش وحشیانه سازمان داد. نقش جمع های آزادی زن در این میان بسیار مهم و تعیین کننده است.

اعتراض به حکم اعدام دلارا دارایی یک وظیفه انسانی همه ما است. سازمان آزادی زن میکوشد که حمایت بین المللی برای لغو حکم اعدام دلارا را جلب کند. باید بکوشیم دلارا نیز همچون نازنین فاتحی و افسانه نوروزی از اعدام نجات دهیم. نظرات تان را برای ما بفرستید.

آذر ماجدی



پیام آذر ماجدی بمناسبت اول ماه مه

اول ماه مه

روز آزادیخواهی و برابری طلبی!

اول ماه مه به یک سنت پایدار و جهانی بدل شده است و بعنوان سمبل آزادی و برابری در سراسر جهان شناخته شده است.

کارگران!

طبقه کارگر ایران اکنون ۲۸ سال است که در کشمکش با رژیم اسلامی سرمایه این روز را به اشکال مختلف گرامی میدارد. رژیم اسلامی در ابتدا به قصد انکار این روز جهانی، روز کارگر دیگری را علم کرد. همانگونه که در انکار ۸ مارس، روز جهانی زن، تولد فاطمه زهرا را بعنوان روز اسلامی زن اعلام کرد. این تاکتیک در هر دو مورد شکست خورد. لذا خانه کارگر، این لانه جاسوسی رژیم در جنبش کارگری، دست بکار سازماندهی مراسم اول ماه مه فرمایشی شد. کارگران این روزهای فرمایشی را به نمایشی در استیضاح و استهزاء رژیم اسلامی سرمایه بدل کردند. اعتراض بحق خود را به این نمایشگاه های فرمایشی بردند. سردمداران رژیم، از جمله رفسنجانی را از نیمه راه شرکت در مراسم پشیمان کردند، و مراسم را به اقتضای برای رژیم بدل کردند. به میزانی که توازن قوا به نفع مردم و جنبش کارگری چرخیده است، جنبش کارگری اول ماه مه باشکوه تری را برگزار کرده است. در دو سه سال اخیر جنبش کمونیسم کارگری در اول ماه مه بروز روشن و برجسته ای یافته است. نه به سرمایه داری با صراحت کامل در قطعنامه ها و شعارها اعلام میشود. از شواهد چنین برمی آید که امسال نیز ما شاهد یک اول ماه مه باشکوه و رادیکال خواهیم بود.

فعالین آزادی زن!

کلیه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب باید در این جشن آزادیخواهی شرکت کنند. باید با فریادهای نه به استعمار، نه به ستم، نه به فقر، نه به تبعیض، نه به حجاب و نه به آپارتاید جنسی در این روز صف قدرتمند خود را در مقابل ارتجاع اسلامی به نمایش درآوریم. جنبش آزادی زن یکی از ارکان اصلی مبارزه برای یک دنیای بهتر و علیه ارتجاع اسلامی است. جنبش آزادی زن باید در اول ماه مه در کنار جنبش کارگری و در پیشاپیش صفوف، با شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه حضور داشته باشد. پیروزی بر ارتجاع و جهل و سرکوب با همبستگی و اتحاد کلیه جنبش های آزادیخواه و برابری طلب امکان پذیر است. صف آرای پر قدرت ما در این روز نوید بخش آزادی و برابری و یک دنیای آزاد، مرفه و سعادتمند، یک دنیای بهتر است. سازمان آزادی زن اول ماه مه را به طبقه کارگر و کلیه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگوید.

زنده باد اول ماه مه!
زنده باد آزادی و برابری!
ستم بر زن موقوف!
نه به حجاب!
سازمان آزادی زن
23 آوریل 2007

آپارتاید جنسی عرصه جدال جنبش آزادی زن

آذر ماجدی

آپارتاید چیست؟

آپارتاید یعنی جداسازی. سابقه آن از نظر سیاسی به آپارتاید نژادی و نظامی که بر این اساس در آفریقای جنوبی بنیان گذاشته شده بود، بازمیگردد. رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی از اوایل قرن ۲۰ تا اواسط دهه ۹۰ میلادی حکومت میکرد. کل سیاست این رژیم بر جداسازی نژادی استوار بود. سه نژاد در این کشور زندگی میکنند: سفید پوستان که تحت نظام آپارتاید، قشر ممتاز و حاکم در جامعه بودند، رنگین پوستان مرتبه دوم را داشتند و سیاهپوستان که از کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محروم بودند. این سیستم در سراسر دنیا بعنوان یک سیستم ارتجاعی و فاشیستی شناخته شده بود. مردم پیشرو، کمونیستها و مدافعین حقوق مدنی در آفریقای جنوبی و در سطح بین‌المللی علیه آپارتاید جنسی فعالیت‌های گسترده‌ای را سازمان دادند. بویژه در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی کمپین‌های گسترده بین‌المللی علیه این حکومت سازمان یافت و یک جنبش وسیع اجتماعی در کشور آفریقای جنوبی علیه نظام حاکم شورش کرد. بالاخره در ابتدای دهه ۹۰ نظام آپارتاید فرو ریخت و این ننگ جامعه بشری از صفحه تاریخ پاک شد.

آپارتاید جنسی چیست؟

از آن رو که نظام جمهوری اسلامی بر مبنای جداسازی جنسی بنا گذاشته شده است و این در حقیقت مشابه نظام حاکم پیشین در آفریقای جنوبی است، ما از ترم آپارتاید جنسی برای توصیف نظام جمهوری اسلامی استفاده کردیم. اکنون شاهدیم که این ترم بشکلی گسترده مورد استفاده قرار میگیرد

و در وب سایت‌های بین‌المللی در مورد آن صحبت میشود.

معنای لغوی آپارتاید جداسازی است. اما نظام مبتنی بر آپارتاید یک جدا سازی صرف نیست. تحت چنین نظامی یک نژاد، جنس یا یک گروه اجتماعی در مکان ممتاز و برتر قرار میگیرد و سایرین از حقوق برابر محروم میشوند. همانطور که در آفریقای جنوبی این جداسازی نتیجه یک سیاست راسیستی شدید و سرکوبگر بود که بر تبعیض و بی‌حقوقی عبران نژادی مبتنی بود، در ایران تحت حاکمیت نظام اسلامی، این جدا سازی بر مبنای جنسیت اعمال میشود و زنان گروه بی‌حقوق و محروم را تشکیل میدهند. اما روشن است که ما هر نوع سرکوب و تبعیض نژادی یا جنسی را آپارتاید نمی‌نامیم. در بسیاری از کشورها نژاد پرستی یک عنصر رسمی یا پوشیده در سیاست حاکم است. اما ما به این کشورها آپارتاید اطلاق نمیکنیم. یا در اکثر کشورهای جهان زنان تحت تبعیض و سرکوب هستند و به همین ترتیب نظام حاکم در این جوامع را آپارتاید نمی‌خوانیم. آپارتاید جنسی در کشورهایی حاکم است که تحت حاکمیت اسلام قرار دارند. در ایران جداسازی میان زن و مرد یکی از ارکان اصلی قانون است و تحمیل حجاب به زنان یکی دیگر از ارکان این نظام و آپارتاید جنسی است.

حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی

حجاب سمبل بردگی زنان و آپارتاید جنسی است. به این دلیل حجاب به یک مساله محوری سیاسی در جامعه بدل شده است. حجاب

تاثیرات مخرب جسمی و روحی بر دختران و زنان دارد. رشد آنها را بشدت محدود میکند. آنها را از یک زندگی نرمال، شاد و انسانی محروم میکند. از همان لحظه‌ای که حجاب را در جشن تکلیف به دختر بچه‌ها تحمیل میکنند، به او میگویند که انسان نیست، مهم نیست و باید برده باشد. این نقش حجاب است و مبارزه علیه آن بسیار مهم است. حجاب در عین حال سمبل سیاسی جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی نیز هست. جمهوری اسلامی از همان ابتدا پرچم حجاب را برافراشت و جنبش حقوق زن نیز علیه آن پیا خاست. از نظر سیاسی مبارزه علیه حجاب یکی از مهمترین جبهه‌های نبرد جنبش آزادی زن علیه رژیم اسلامی است. اگر زنان در این نبرد پیروز شوند جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد.

ستم بر زنان یا ستم مذهبی؟

در سرتاسر دنیا نابرابری جنسی وجود دارد اما موقعیت زنان در کشورهای مثل سوئد، فرانسه و آلمان با موقعیت زنان در کشورهای تحت نفوذ اسلام و دارای دولتهای سرکوبگر که قوانین، ارزشها و فرهنگ اسلامی را به مردم تحمیل میکنند، متفاوت است. حتی در این کشورها نیز درجات مختلف بی‌حقوقی وجود دارد. به نسبتی که در یک کشور معین علیه قوانین اسلامی و برای حقوق زن مبارزه شده باشد، موقعیت زنان در این کشورها بهتر از کشورهایی است که اسلام بشکلی مطلق بر جامعه حکم میراند. یک فاکتور مهم دیگر وجود مقاومت زنان و جامعه در مقابل این سرکوب و تبعیض است. به میزانی که جنبش مقاومت وسیعتر و

عمیق تر است، نظام حاکم با دشواری‌های بیشتری برای حاکم کردن قوانین خود مواجه میشود. وضعیت زنان تحت رژیم اسلامی در ایران یا افغانستان، بویژه زنان طالبان و کشورهای دیگری که دارای حکومت اسلامی هستند و اسلام در تمام وجوه دولت ادغام شده، بروشنی بدتر از وضعیت زنان در سایر کشورها است. در این کشورهای اسلام زده، آپارتاید و جداسازی زنان و مردان بطور قانونی اعمال میشود. در اینجا دیگر صحبت صرفاً از بی‌حقوقی زنان و تبعیض نیست، بلکه جداسازی کامل میان دو جنس اعمال میشود همان گونه که جداسازی نژادی در آفریقای جنوبی اعمال میشد. البته در ایران ما شاهدیم که در چند سال اخیر جنبش مقاومت زنان بسیاری از قوانین سرکوبگر اسلامی را عقب زده، در بسیاری موارد آپارتاید را بشکلی دوفالکتو شکسته و حجاب را عملاً به سخره گرفته است. موقعیت زنان در ایران به اعتبار این جنبش وسیع و گسترده در چند سال اخیر بسیار متحول شده است.

آپارتاید جنسی از اصول اسلام و مذهب ناشی میشود. اسلام جداسازی زنان و مردان را تبلیغ میکند. حجاب وجهی از سنت اسلامی و عقب مانده "اندرونی و بیرونی" است که زنان را از مردان "نامحرم" جدا و مردان را بر آنها حاکم

میکند. این سنت از این رو باب شده که اسلام همچون کلیه مذاهب مردسالار است و تصویرش از زنان موجودات شیطانی است که مردان را از راه راست منحرف میکنند. اسطوره "ادم و حوا" منشاء این تفکر و بینش است کلیه مذاهب بر این بینش و تصور بنا گذاشته شده اند. اسلام این تصور شیطانی را تا آنجا به پیش برده که



زنان را کاملاً از زندگی اجتماعی محروم کرده و از چشم جامعه بدور کرده است. در عین حال دست مردان را به هر نوع تعرضی به زنان و در اختیار و تملک گرفتن تعداد نامحدود زن آزاد گذاشته است. اسلام علاوه بر بینش تمایلات سیری ناپذیر جنسی محمد نیز متأثر بوده است. قوانین اسلام طی زمان تکمیل شده است. هرچه نیازهای جنسی محمد بر او حکم میرانده در قوانین اسلام بعنوان قوانین الهی ابدی میشده است. مثال "پنبه و آتش" که در فرهنگ عامیانه بسیار مصطلح است اشاره به در کنار هم بودن مرد و زن حتی به اندازه یک ثانیه دارد. نژاد اسلام زن موجودی شیطانی و فریبنده است و مرد موجودی که فقط از هر مون‌های جنسی ساخته شده است. یک نگاه به زن بی حجاب، "ایمان" و عقل مرد را می‌ریابد. پس باید زنان را در حجاب پوشانده و در خانه محبوس کرد. اسلام یک سیستم سفت و سخت آپارتاید جنسی را به جامعه تحمیل میکند. به این دلیل آپارتاید جنسی در کشورهای اسلام زده وجود دارد. در کشورهای دیگر که مذاهب دیگر حاکم هستند و پدرسالاری، شوونیسم و تبعیض جنسی وجود دارد اما ما با سیستم آپارتاید جنسی به این شکل آن روبرو نیستیم. زنان و مردان میتوانند در اتوبوس پهلوی هم بنشینند.

ادامه در صفحه ۳

به سازمان آزادی زن بپیوندید

خانه مدوسا روز 28 مارس با همکاری استانداری غرب سوئد و موسسه فرهنگی آ، ب، اف در شهر گوتنبرگ سوئد افتتاح گردید. خانه مدوسا از پروژه‌هایی است که سازمان آزادی برای ایجاد کمک به زنان و خانواده‌های آنها در دست گرفته است. در رابطه با خانه مدوسا از شهلا نوری که مدیر موسسه میباشد سوالاتی به عمل آوردیم:

خانه مدوسا

آزادی زن: شهلا نوری با تبریک و خسته نباشید. خانه مدوسا افتتاح شد، بعنوان مدیر مسئول خانه مدوسا بگوئید که در روز افتتاح چه گذشت؟

شهلا نوری: با تشکر از تبریک شما، من هم به همه کسانی که این مدت من را همراهی کردند خسته نباشید میگویم. روز 28 مارس خانه مدوسا که از پروژه‌های ما در شهر گوتنبرگ است افتتاح گردید. در این روز به غیر از تعداد زیادی از مهمانان جوانی که فعالین و اکتیویست‌های عرصه‌های مختلف زنان هستند، مسئولین دو موسسه رسمی و دولتی هم شرکت داشتند. رضا طالبی از موسسه فرهنگی آ ب اف و لاسه یوهانسون از استانداری غرب سوئد. وی مسئول کمک به دختران جوانی است که تحت فشار و ستم خانواده‌های سنت‌گرایشان قرار میگیرند. همین جا باید بگویم که بدون کمکهای این دو موسسه امکان باز کردن این خانه وجود نداشت. من در ابتدای این مراسم به همه

خوش آمد گفتم و در مورد اهداف خانه مدوسا و کلاسهای مختلف آن صحبت نمودم. همچنین در این صحبتها اهمیت وجود چنین مرکزی را یاد آور شدم و اعلام کردم که خانه مدوسا باید به مرکزی برای کمک به زنان و دختران، و همچنین محل تجمع همه کسانی تبدیل شود که امر برابری زن و مرد را مسئله خود میدانند و برای آن فعالیت و تلاش میکنند. در این مراسم همچنین ویدئو کلیپی از پروژه تعمیر و آماده سازی خانه مدوسا به نمایش گذاشته شد. بعد از این نماینده انجمنها و سازمانهای شرکت کننده هر کدام سخنان کوتاهی ایراد کردند.

آزادی زن: خانه مدوسا چه اهدافی را دنبال میکند و چه اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده است؟

شهلا نوری: خانه مدوسا در وهله اول هدف خود را کمک رسانی به زنان و دخترانی که تحت خشونت قرار گرفته اند داده است. به این منظور تلفن کشیکی را از مدت‌ها قبل سازمان داده



شهلا نوری

ایم و این تلفن عملا یکی از راههایی است که تلاش میکند سریعترین کمک را به کسانی که احتیاج به کمک دارند برساند. یکی دیگر از اهداف ما پیشگیری از خشونت و روشهای جلوگیری از آن است. که در این راه تلاش میکنیم هم امکانات آموزشی و هم امکانات اطلاعاتی لازم را برای زنان فراهم نماییم. خانه مدوسا تلاش خواهد نمود روزهایی را برای ملاقات و گپ زدن سازمان دهد و این محل را به محل تبادل اطلاعات تازه در مورد مسائلی که به نوعی به زنان و موقعیت فردی و اجتماعی آنها مربوط است تبدیل نماید. بروشور اطلاعاتی این مرکز تاکنون به زبان سوئدی و فارسی آماده گردیده است. لازم به توضیح است که بگویم که از این بروشور تاکنون صدها نسخه چاپ و پخش گردیده است. سایت خانه مدوسا در دست آماده شدن است و بزودی آدرس آن اعلام خواهد شد.

آپارتاید جنسی عرصه جدال ...

از صفحه ۲

اسلامی بوده ایم. سرکوب زنان از یکطرف و مبارزه بی امان زنان علیه قوانین ضد زن و ارتجاعی یکی از مختصات پایه‌ای تاریخ ایران در 28 سال اخیر است. این جنبش مقاومت در دهه اخیر بطور فزاینده‌ای عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است. نسل جوان حاضر نیست به قوانین و سنتهای عقب مانده اسلام تن دهد. قوانین مذهبی و سنتهای عقب افتاده بر دست و پای زنان و حتی دختر بچه‌ها سنگینی میکند و مانع رشد آنها در زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. علیرغم این شرایط زنان با قدرت تمام در مقابل این شرایط مقاومت میکنند و برای دستیابی به استقلال و آزادی مبارزه میکنند. بطور مثال بیش از 60 درصد ورودی‌های دانشگاه را دختران تشکیل میدهند. زنان بطور روزمره با محدودیت‌ها و فشار پلیسی دست بگریبان اند.

جنبش آزادی زن در ایران برای نابودی آپارتاید جنسی و برقراری یک جامعه سکولار مبارزه میکند. این جنبش میتواند با حمایت و پشتیبانی بین‌المللی قدرت بیشتری کسب کند. همان گونه که آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی با کمک همبستگی بین‌المللی شکست خورد، آپارتاید جنسی در ایران نیز میتواند با حمایت بین‌المللی سرنگون شود.

زنان مجبور نیستند حجاب بسر کنند. زنان و مردان میتوانند در کنار یکدیگر در ادارات کار کنند و در مدارس و دانشگاه در کنار هم درس بخوانند. علیرغم وجود تبعیض علیه زنان، مردان و زنان مجبور نیستند از هم جدا باشند. اسلام است که آپارتاید جنسی و جداسازی را تبلیغ و اجرا میکند.

جنبش مقاومت در ایران

یکی از عرصه‌های اعتراض اجتماعی در ایران مبارزه علیه آپارتاید جنسی است. جنبش آزادی زن و جنبش خلاصی فرهنگی، بویژه در چند سال اخیر در مقابل آپارتاید جنسی مقاومت گسترده‌ای را سازمان داده اند. مقاومت علیه آپارتاید جنسی در دانشگاه‌ها یکی از عرصه‌های دائمی مبارزه علیه رژیم اسلامی را تشکیل میدهد. مقاومت در مقابل حجاب اسلامی یکی از جبهه‌های اصلی نبرد جنبش آزادی زن علیه رژیم اسلامی است. قدمت این مبارزه به قدمت طول حیات جمهوری اسلامی است. جنبش حقوق زن با اعتراض وسیع و اجتماعی علیه حجاب در 8 مارس 1358، چند هفته پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی در شکل نوین‌اش متولد شد. از همان ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی ما شاهد یک تنش و درگیری دائم میان زنان و جمهوری



نه به آپارتاید جنسی!

گزارشهایی از ۸ مارس ۱۳۸۵ از زبان فعالین داخل

امید و هژان - سردشت

امید و هژان دو شرکت کننده در مراسم ۸ مارس در شهر سردشت هستند. از آنها در مورد چگونگی مراسم سوال می‌کنم. چنین پاسخی می‌دهند. برای اولین بار بود اینجا مراسم می‌گرفتیم. برای اولین بار است چنین مراسمی برگزار میشود. فکرش را نمی‌کردیم اینقدر با استقبال روبرو شود. این را خودمان هم انتظار نداشتیم. بسیار جالب و هیجان انگیز بود. سالن سینما پر شده بود از جمعیت. پلاکاردها با شعارهای "حقوق زن جهان شمول است" و "زننده یاد آزادی زن" به سالن رنگ دیگری بخشیده بود. برق شادی را در چشم مردم و برگزار کنندگان میدیدی. مردم به هم روز جهانی زن را تبریک میگفتند. وقتی مراسم شروع شد همه ساکت شدند. صدای همهمه خاموش شد. مردم با دقت به سخنرانان گوش میدادند. حضور زنان بیشتر مشهود بود. تعداد زیاد زنان برای شهر کوچک ما جالب توجه بود. همیشه گفته میشود: اینجا شهر کوچکی است، سنتهای عقب مانده موجود است، اینجا نمی‌شود کاری کرد. اینجا نمی‌شود در مورد حقوق زنان صحبت کرد. اما امسال مراسم ۸ مارس، روز جهانی زن نشان داد این شهر کوچک ما بخشی از دنیای بزرگ است و می‌خواهد به این دنیا بپیوندد به آن دنیایی که خودش را با جنبش آزادی زن تداعی می‌کند و فریاد می‌زند حقوق زن جهان شمول است. سخنرانان یکی بعد از دیگر مقالاتی خواندند. یوسف عباي زاده، آرزو احمدیان و شیدا سلیمی مقاله خواندند. هر چند همه در سکوت کامل به مقالات گوش میدادند و در پایان تشویق می‌کردند، اما احساس می‌کردی زیاد شرکت کنندگان از این مقاله خواندن راضی نبودند. بعد میزگردی در مورد مسائل زنان و موانع پیشروای آنها تشکیل شد.

خشنونت علیه زنان و نقش قانون در فرودستی زنان مورد بحث قرار گرفت. برای خود من جالبترین بخش بحث در مورد بکارت بود. در این بخش از این صحبت شد که پرده بکارت فقط مصیبتی برای زنان است و تحت نام بکارت چه آزارها و آسیب‌هایی به زنان اعمال نمیشود. میزگرد از طرف شرکت کنندگان مورد استقبال گرمی قرار گرفت. مردم به گرمی تشویق میکردند. در سالن همهمه‌ای از بحث وجود داشت که نشان میداد این بخش برای مردم بسیار جذاب است. زنان بحث‌هایی را که از دردهای آنها سخن میگفت مورد تأیید قرار میدادند. این مراسم شروع کار ما است. فعالیت ما در سردشت هر روز ابعاد بزرگتری خواهد داشت.

مینو - بوکان

مینو از مراسم ۸ مارس در بوکان صحبت میکند. از نحوه برگزاری تا پایان مراسم توضیح می‌دهد: فعالین بوکان معمولاً کمتر به برگزاری مراسم توجه میکردند. بیشتر شنونده اخبار مراسم تهران و سنج و شهرهای دیگر بودیم. بعضی از ما خیلی وقتها حسرت می‌خوردیم چرا ما نمیتوانیم مراسمی برگزار کنیم. بالاخره امسال به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن رفتیم. از مدت‌ها قبل دور هم جمع می‌شدیم و در مورد اینکه به چه شکلی مراسم را برگزار کنیم بحث می‌کردیم. شکی نداشتیم رژیم به ما مجوز برگزاری نمی‌دهد. تصمیم گرفتیم در این روز مراسم را بدون مجوز در خیابان برگزار کنیم. تصمیم گرفتیم در این روز با لباسهای قرمز در خیابان های بوکان مارش برگزار کنیم. دو روز قبل از ۸ مارس در تمامی مدارس

راهنمائی و دبیرستان خبر را وسیعاً پخش کردیم که با لباس قرمز بیرون بیایند و خیابانهای اصلی شهر را به شکل راهپیمائی طی کنیم. راس ساعت تعیین شده جمعیتی حدود ۲۰ نفر جمع شدند. همه لباسهای تازه و قرمز پوشیده بودند. در دست تعدادی نشریه بود که روز جهانی زن را تبریک گفته بود و تاریخچه ۸ مارس در آن درج شده بود. تعدادی شیرینی در دست داشتند. مردم با تعجب نگاه می‌کردند و شرکت کنندگان



توضیح می‌دادند: امروز روز جهانی زن است و به این مناسبت ما جشن میگیریم و خواهان آزادی و برابری هستیم، خواهان رفع هر گونه ستم بر زنان هستیم، علیه هر نوع خشنونت خانگی و دولتی هستیم و علیه آپارتاید جنسی هستیم. مردم ما را همراهی میکردند. بخصوص جوانان که احساس میکردی کمتر از این موضوع خبر دارند با علاقه این سرخپوشان را دنبال و سوال میکردند. مردم تشویق میکردند، تبریک میگفتند و تعدادی می‌رفتند شیرینی برایمان می‌آوردند. بخشی از مردم دنبال این

قطار آزادی و برابری راه افتاده بودند. تعدادی از مادرانی که فرزند دختر داشتند به کنار ما می‌آمدند و درگیر تظاهرات میشدند، شیرینی پخش میکردند و به مردم می‌گفتند: امروز روز جهانی زن است این روز را به شما تبریک می‌گوییم. شاهد اشکهای شوقی بودیم که بر صورتها روان بود. بغض گلوی همه ما را گرفته بود و اشک شادی از چشمان مان سرازیر بود. روزی بیاد ماندنی و زیبا و با شکوه. مطمئن هستم این حرکت چنان تکانی به شهر ما داد که میشود گفت زیربنای یک ساختمان بزرگ را در این شهر ساختیم. کارهای بزرگتری در پیش داریم. باید یک دنیای شایسته انسان، یک دنیای بهتر را بسازیم.

سارا تهران

سارا دانشجوی دانشگاه تهران و فعال پر کار جنبش آزادی زن است و همیشه پر از شادی و زندگی است. گاهی با ارسال جوکهایی که اکثراً برای سران رژیم درست شده خستگی را از تن انسان بیرون می‌آورد سارا وقتی داشت این گزارش را تایپ می‌کرد خودش را برای چهارشنبه سوری آماده می‌کرد. از ۳ ماه پیش از ۸ مارس مشغول به فعالیت شدیم. در محافل مختلفی که حول ۸ مارس تشکیل شده بود و در جمع دوستان در مورد نحوه برگزاری مراسم روز جهانی زن و اینکه چگونه میتوانیم این مراسم را اجتماعی و وسیع برگزار کنیم صحبت میکردیم. تمام شعارهایی که در نشریه نوشته شده یا روی سایت ۸ مارس بود پخش می‌کردیم. در همه جا، از محیط دانشگاه تا خوابگاه دختران و در میان فامیل و آشنایان بحث زنان بود. درباره موانع و مشکلاتی که زنان با آن روبرو هستند صحبت

صحبت میکردیم. کاملاً احساس می‌کردم به سهم خودمان فضا را آماده کرده بودیم. فضای دانشگاه خیلی رادیکال تر از جاهای دیگر بود و شعارهایی را که پخش میکردیم در دانشگاه بیشتر طرفدار پیدا میکرد. در اماکن عمومی همه جا صحبت از موقعیت زنان و جنبش آزادی زن، مسئله حجاب و بی حقوقی که به زنان تحمیل شده است، بود. گاهی در این بحثها احساس می‌کردم ما فزاینده می‌رفتیم. گاهی کسانی میگفتند مقصر خود زنان هستند. چرا این همه تحقیر و توهین را قبول میکنید؟ بالاخره و خوشبختانه همیشه جوابهای مناسب برای این بحثها داشتیم. پیرامون موقعیت زنانی که تنها تبعیض جنسی معضلشان نیست، بلکه فقر و بدبختی و سنتهای عقب مانده و مبارزه با این موانع هم مسالهشان هست توضیح میدادیم. هر روز که می‌گذشت تب و تاب این روز بخصوص میان کسانی که از این حکومت به تنگ آمده اند بیشتر مشهود بود. ما نیز تقریباً از یک هفته به ۸ مارس مانده خبر تجمع ساعت ۴ نیم بعد از ظهر مقابل دانشگاه را وسیعاً پخش کردیم و هم خود و هم محیط را آماده می‌کردیم که هرچه گسترده این روز را گرامی بداریم هر روز که به ۱۷ اسفند نزدیکتر می‌شد دلهره ما نیز بیشتر میشد. روز جهانی زن مصادف شد با اعتراضات گسترده معلمین. ما نیز از این فرصت استفاده کردیم تا هم حمایت خود را از معلمین نشان دهیم و هم در این تجمعات چند هزار نفره خبر برگزاری و محل مراسم ۸ مارس را به اطلاع مردم برسانیم. روز ۱۶ اسفند اوج کار ما بود. تمام نیرو و امکان خود را بکار بستیم که بسیج نیرو کنیم. در تمام مراسمهای دانشگاه‌ها حضور داشتیم و محل برگزاری مراسم ۸ مارس را به اطلاع رساندیم. راه دیگری که شاید کمتر به آن

ادامه در صفحه ۶

ستم بر زن موقوف = نه به ناموس پرستی!

گزارشهایی از ۸ مارس ...

از صفحه ۵

فکر کرده بودیم از طرق اس ام اس بود. محل و ساعت مراسم را همراه پیام از طریق اس ام اس برای عده ای ارسال کردیم و از آنها میخواستیم تا به بقیه دوستان خود ارسال کنند. شب پای برنامه بودیم که آخرین اخبار دقیق را دنبال کنیم. گزارشات در برنامه‌های مختلف ارسال می‌شود. زیر نویس برنامه علی‌جواد اعلام میکرد در عین حال که در کنار معلمین در مقابل مجلس تظاهرات میکنید، روز جهانی زن را نیز گرامی بدارید. خلاصه تازه متوجه شدیم که از همان ساعات اولیه صبح کارمان شروع شده است. استراحتی کامل می‌خواستیم و در عین حال دلهره هم داشتیم. آیا مردم فردا به خیابانها خواهند آمد؟ چگونه می‌شود؟ روز ۸ مارس آغاز شد. در همان ساعت‌های اولیه رفتیم جلوی مجلس. چه غوغایی بود. تا این روز اینقدر مردمی که به این حکومت معترض باشند را ندیده بودم. معلمین به هم تیریک می‌گفتند. اولاً برای اینکه این همه در این مراسم شرکت کردند و بعد روز جهانی زن را هم تیریک می‌گفتند. جمعیت دقیقه به دقیقه بیشتر میشد و نیروهای انتظامی زبونانه فقط نظاره‌گر خشم مردم بودند. ما هم در میان جمعیت همراهی می‌کردیم و در عین حال خبر تجمع جلوی دانشگاه به مناسبت روز جهانی زن را می‌دادیم. سران رزیم به باد فحش گرفته شده بودند. البته هنوز مردم بجای نرسیده اند که مرگ بر جمهوری اسلامی را علنی بگویند. اما مرگ بر این اخوندها، مرگ بر این وزارای بی لیاقت، آخر مگر مملکت را می‌شود اینجوری اداره کرد، حقم را بدهید، مگر جز حقم چیزی را خواستیم و از این قبیل شعارهای رایج بین مردم است. شاهد جر و بحث چند

معلم بودم. یکی گفت خواست ما صنفی است و سیاسی نیست، دیگری گفت بابا حق حق است، سیاسی صنفی ندارد. شکم زن و بچه مردم خالی است می‌گویند سیاسی صنفی. عجب آقا شما هم دنبال این مزخرفات افتادی؟ شما دیگر چرا؟ و با خنده ای گفت بیچاره، سر ماه کرایه خونه را پرداخت نکنی بیرون می‌کنند، برو هی بگو خواست من صنفی است. انگار این کلمه را بگویند حقش را میدهند برایم جر و بحث جالب بود و هنوز ادامه داشت من باید در میان جمعیت می‌رفتم و ادامه می‌دادم. امروز جلوی دانشگاه ساعت ۴ و نیم مراسم روز زن است. تعدادی از شرکت کنندگان سوال میکردند کجا و چطور باید خودشان را برسانند؟ معلوم بود این جمعیت تعدادی هم از شهرهای دیگر بودند. باید دنبال کارهای دیگر میرفتیم و خودمان را آماده میکردیم. تجمع تا بعد از ظهر ادامه داشت ولی من مجبور شدم محل را ترک کنم.

شهره تهران
شهره در مورد تجمع و فراخوانی صحبت میکند. تعدادی از فعالین زن به مناسبت روز جهانی زن در مقابل مجلس فراخوان داده بودند. شهره می‌گوید تعدادی شعار و پلاکارت تهیه کرده بودیم خواستار آزادی زنان فعال دستگیر شده بودیم و در عین حال اعتراض به وضعیت موجود. در دسته‌های تقریباً راحت می‌توانم بگویم ۵۰ نفره در مترو همدیگر را دیدیم. حدود ۲۰۰ نفر میشدیم. منطقه کلا نظامی بود. به محض اینکه نیروهای انتظامی ما را دیدند حمله به زنان را آغاز کردند و زد و خورد بین زنان و نیروهای انتظامی شروع شد. حتی اجازه این که ما یک شعار

و یا یک پلاکارد در بیاوریم را نداشتیم. در کوتاه ترین مدت چند نفر را دستگیر کردند. درگیری داشت بیشتر میشد که دستگیر شده‌ها را آزاد کردند و از آنجا که ما تصمیم گرفته بودیم از هر نوع خشونتی جلوگیری کنیم مراسم اینجا پایان یافت.

سارا خودش را برای یکی دو ساعت دیگر آماده می‌کند. مقابل دانشگاه هر لحظه اضطراب من بیشتر میشود. بیشتر نگران این بودم که آیا با این فضا مردم خواهند آمد یا نه. راس ساعت ۴ اینجا بودم. جالب است. جمعیت زیادی آمده بودند. احساس می‌کردی که هر اکیپی الکی سر خودش را گرم میکند. چند نفر روزنا مه ای دست گرفته بودند و بی خودی سر یک مطلب صحبت می‌کردند. تعدادی شعار هم دستشان میدیدی ولی آنها را طوری لای روزنامه گذشته بودند تا مثلاً معلوم نشود. فقط ما که در این مراسم شرکت کردیم و میدانستیم فضا در حال آماده شدن است می‌دانستیم اوضاع از چه قرار است. لبخند شادی و مسرت بر دلم نشسته بود. تلاشهای شبانه روزی ما بی نتیجه نبود. ساعت ۴ و نیم بود. جمعیت بیشتر شده بود. تمامی مناطق پر از نیروی انتظامی شده بود. از گارد ویژه بگیر تا لباس شخصی‌ها که بیشتر بمنظور ایجاد فضای ترس به اینجا آمده اند. ناگفته نماند الکی هم شایعه می‌اندازند که در اطراف دروبین نصب است، بعد از مراسم همه را شناسایی و دستگیر میکنند. جمعیت در اطراف دانشگاه و بخصوص محل اعلام شده به ۲۰۰۰ نفر رسیده بود. پلیس دیگر حتی اجازه اینکه مردم دو نفری هم با هم صحبت کنند را نمیداد. ماشین‌ها و موتورسیکلت‌ها ویراژ می‌دادند و این فضای سنگینی را بوجود می‌آورد. نیروهای انتظامی از اینکه برای شروع مراسم تلاش می‌شود، به تنگ آمده بودند. مرتب از مردم

خواهش میکردند که محل را ترک کنند و تجمع نکنند. شاهد این بودیم که نیروی انتظامی از قدرت مردم به وحشت افتاده و میخواهد با آرامش جلوی تجمع را بگیرد. احساس قدرت میکردیم. به مجرد اینکه حرکت و شعارها شروع شد و چند پلاکارد بالا رفت حمله کردند و چند نفر را دستگیر و شعارها را پاره کردند. دیگر آن چهره ملیح را نداشتند و خبری از لبخند تصنعی نبود. چهره واقعی خود را نشان دادند. تعقیب و گریز شروع شد. جوانان شعار میدادند و نیروهای انتظامی آنها را دنبال میکردند. جالب این بود کسی نامید نمیشد و دوباره شروع میکردند. شعار میدادند، زنده باد آزادی زن، نه نه نه نه به آپارتاید جنسی، زنده باد آزادی، زنده باد برابری و شعارهایی از این قبیل. البته شعارهای دیگری هم داده میشد. و در حال جنگ و گریز احساس می‌کردی صدای شعارها در فضا پیچیده است. با آغاز این جنگ و گریز و دنبال کردن با اس ام اس خبر گرفتیم که تعدادی در پارک دانشجو شروع به شعار دادن کرده بودند. آنها را نیز مورد حمله قرار دادند و ظاهراً اینجا هم چند نفری را گرفته بودند. در این مدت ده‌ها پیغام رسید که در خیابان ولیعصر، میدان محسنی بعد از اتمام فوتیال مردم زیادی جمع شده اند و آنجا هم شلوغ است. حرکت کردیم به طرف میدان محسنی اینجا هم دست کمی از جلوی مجلس و دانشگاه نداشت و خیلی شلوغ بود. جنگ و گریز اینجا هم بود. تیم ما از میدان محسنی همگی سالم از هم جدا شدیم و این روز را باز به هم تیریک گفتیم و تصمیم گرفتیم برویم به استقبال ۴ شنبه سوری. هر روز را باید به هم وصل کنیم و نگذاریم تا سرنگونی این رژیم آب راحت از گلو آن پایسین برود.

سنندج
گزارشات در مورد سنندج

زیاد است در این روز معمولاً دهها نفر، هر کدام آنچه را خود در آن دخیل بودند را گزارش میدهند من تلاش می‌کنم در مورد سنندج از گوشه و کنار این مراسم خبر بدهم. سنت مراسم ۸ مارس و روز جهانی زن در شهر سنندج جا افتاده است و هر سال نه تنها محافل راست بلکه کل شهر در جنب و جوش برگزاری است. تقریباً چندین ماه مانده به این روز از طرف تشکلهای غیردولتی برای گرفتن مجوز برگزاری اقدام می‌شود و هر سال به شکلی این مراسم برگزار می‌گردد که ابعادی گسترده به خود می‌گیرد. در محافل هم جدلهای زیادی وجود دارد، علنی برگزار کنیم، گسترده باشد تا مردم همه بتوانند حضور داشته باشند، مقاله خوانی نشود، مردم راحت بیایند صحبت کنند، دهها سخنران باشد، از نماینده کارگران تا مدافعین حقوق کودک و سایر عرصه‌های اجتماعی. این موضوع دو جنبه دارد یکی مباحث درونی خود این محافل و دیگری جنگی متحدانه علیه رژیم. همه می‌دانند ۸ مارس متعلق به جنبش چپ و رادیکال است و در یکی دو سال اخیر این جنبش رادیکال خیلی را مجبور کرده است تا این روز را بعنوان روز جهانی زن برسمیت بشناسند و به استقبال بروند. روزی که کيفرخواست جنبش آزادی زن علیه جمهوری اسلامی است و این موضوع در قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها اعلام می‌شود. اما امسال با سالهای قبل خیلی متفاوت بود. از یک طرف جنبش رادیکال و چپ تصمیم گرفته بود مراسم را در مراکز اصلی شهر برگزار کند، و با مارش قدرت نمایی کند. از طرف دیگر تشکلهای غیردولتی دیگر متوهم بودند و به امید گرفتن مجوز و در واقع تلاش داشتند جنبش را مهار کنند که مدتها است در

ادامه در صفحه ۷

ستم بر زن موقوف = نه به خشونت علیه زنان!

گزارشهایی از ۸ مارس ...

از صفحه ۶

خیابان است و مدتها است قدرت نمائی میکند. شهر احساس میشود سندانج و فعالین جنبش برابری زن در تب برگزاری مراسم روز جهانی زن می سوزند. محافل جلسات را برگزار میکنند. فاصله جلسات نزدیکتر میشود. تنها دو روز مانده به ۸ مارس در سطح شهر فراخوان مراسم خیابانی توسط فعالین جنبش آزادی زن وسیعاً پخش می شود. محله ای نیست که خبر را دریافت نکرده باشد. تیمهای پخش تراکت، تیمهای بسیج، تیمهایی که در دانشگاه و مدارس دارند نیرو بسیج می کنند. مرضیه می گوید احساس می کنید با پخش هر تراکت ۴ نفر به نیروهای انتظامی در شهر اضافه میشود. شهرهای کردستان تقریباً همیشه نظامی بوده است. کمتر شاهد فضای بدون حضور نیروی انتظامی هستید. در چنین روزهایی بیشتر می شوند. از شهرهای دیگر بقول معروف نیروهای غیربومی وارد میکنند. یکی میگفت تعدادی از نیروها لهجه افغانستانی داشتند حس کنجکاری وی را بر این می دارد که از او سوال کند بچه کدام شهر است و متوجه می شود که این نیروی اعزامی از شیراز بوده است. در گفت و گو با تعدادی از کارگران در مورد این روز و نقش آنها سوال می کنیم جواب مثبت است. آنها نیز همراه با خانوادههای خود قرار است در مراسم این روز شرکت کنند. با تعدادی از دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه آزاد صحبت می کنیم. آنها نیز قرار است در این مراسم شرکت کنند. در هیچ زمانی در شهر سندانج این چنین به استقبال ۸ مارس نرفته اند. پلاکاردها آماده است، رویانهایی که به شکل عدد ۸ هستند و بر روی آنها زنده باد آزادی زن نقش بسته است، آماده شده است.

است. با فاصله کمی خبر می دهند که رویا تدین و چند نفر دیگر آزاد نشده اند. رویا را شکنجه داده اند. آثار شکنجه بر بدن کسانی که به دادگستری میاورند مشهود است. خبر می رسد که راس ساعت دو تعدادی از این دستگیر شده ها را به دادگستری میبرند. گزارش بعدی خبر از این دارد که راس ساعت ۲ دادگستری تعطیل است و حتماً می خواهند با تعرض مردم و خانواده ها روبرو نشوند. برای همین بردن این دستگیر شده ها را به این ساعت موکول کرده اند. آخرین اخبار در روزهای بعد دریافت میشود که دقیق تر میباشند. مثلاً اینکه از ساعت ۳ بعد از ظهر تا ساعت ۶ نیم عصر آن روز جنگ و گریز بین نیروهای انتظامی و مردمی که به فراخوان پاسخ مثبت داده بودند در جریان بوده است. جنبش برای آزادی زن، جنبشی است که نمی خواهد در چهار دیواری سالن روزش را گرامی بدارد. در کمترین مدت زمان رسانه های خبری از مراسم ۸ مارس سندانج و تعرض نیروهای سرکوبگر رژیم خبر دادند. سایتها مرتب اخبار را آپدیت می کردند. ستاد برگزاری ۸ مارس در این روز با اخبار لحظه به لحظه، مهر جنبش آزادی زن و سازمان آزادی را بر ۸ مارس در شهر سندانج کوبید. تمامی دستگیر شدگان از زندان آزاد شدند.

نقده و اشنویه

در این دو شهر فعالین جنبش آزادی زن دور هم جمع میشوند و به مناسبت روز جهانی زن در مورد مسائل و موانع متعددی که پیش رو دارند بحث می کنند و در همین رابطه وظایفی در روز جهانی زن برای خودشان تعریف میکنند. در این جمع مراسم رقص و پایکوبی ساعتها ادامه داشت و حضور دختران و پسران جوان مشهود بود.

گزارشی تکان دهنده از ...

ادامه از صفحه ۱۰

تشکیل پرونده قضایی در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند و ۱۰ نفر نیز تحویل بهزیستی شده اند. وی افزود: طی مدت اجرای طرح امنیت اجتماعی از دوم اردیبهشت تا اواخر مرداد، ۱۲۰ تن در خصوص مراکز فساد دستگیر شدند که از این تعداد، ۶۵ نفر مرد و ۵۰ تن زن هستند و در این رابطه ۱۴ انبار تهیه و توزیع تجهیزات ماهواره نیز کشف و توقیف شده است. هر روز یک زن یا کودک کشته می شود. فقر، نابرابری و نداشتن امنیت شغلی و اجتماعی، وجود قوانین تبعیضآمیز و... ناشی از نابسامانی های اجتماعی است و این جرائم نشانه هایی است که باید مسئولان آن را جدی بگیرند. خشونت حادثه نیست، مشکل اجتماعی است. آزارهای جنسی و تجاوز در جامعه ناشی از ناتوانی جامعه در معنا است. و این درحالی است که قبح فرهنگی نمیگذارد آمار دقیقی از سوء استفاده های جنسی، تجاوز و قتل داده شود. و از طرفی با پلیسی کردن جامعه و حضور پلیس نمیتوان از شدت قتل و تجاوز کاست. در بستر فرهنگ سازی و رفع فقر و نابرابری است که می توان به ایجاد جامعه سالم در درازمدت امیدوار شد.

(بعضی از کلمات در این گزارش اصلاح یا عوض شده است).

بدون شرح



ستم بر زن موقوف = نه به بیحقوقی زنان!

آذر ماجدی در مناظره رادیو 4 بی بی سی: هر تعبیری از قانون شریعه ضد زن است!

روز پنجشنبه 26 آوریل برنامه "ساعت زنان" رادیو 4 بی بی سی مناظره ای پیرامون "آیا قانون شریعه ضد زن است؟" میان آنیا خان، حقوقدان در قوانین مدنی و اسلامی و آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن برگزار کرد. فشار جنبش اسلام سیاسی در اسلام آباد، پایتخت پاکستان، برای اجرای کامل قانون شریعه زمینه تشکیل این مناظره بود. اخیراً دختران محصل در مدرسه جمیع الحفسا مسلحانه این مدرسه را اشغال کرده و خواهان اجرای قانون شریعه هستند. (گفته میشود این مدرسه وابسته به القاعده است). گزارشات حاکی از این است که حدود 3000 زن برقع پوش مسلح یک کتابخانه کودکان و 5000 مرد مسلح مدرسه را اشغال کرده اند. اخیراً دسته های زنان برقع پوش مسلح به چند فاحشه خانه، مغازه های ویدئو فروشی و به چند آرایشگاه، به این دلیل که آنها غیراسلامی هستند حمله کرده اند. زنی را که صاحب یک فاحشه خانه است زده و به زور در یک کنفرانس مطبوعاتی مجبور به اظهار ندامت کرده اند. این دستجات سیاه حزب الهی مشروب فروشی ها را نیز تهدید کرده اند.

دولت پرویز مشرف در حال تعلیم واحدهای کماندوی زنانه ضد تروریست برای حمله به مدرسه و مسجد سرخ است. 150 زن در این دوره تعلیم دیده اند. طنز جالب این است، که رئیس کالج تعلیم نظامی اعلام کرده است که این دانشجویان زن در بسیاری رشته ها از مردان بهتر هستند و با نتایج بهتری دوره آموزش نظامی

را گذرانده اند. در حالیکه اسلامیسست ها حملات تروریستی خود علیه زنان را به سبک طالبان سازمان داده اند، دولت اسلامی پاکستان نیز واحدهای کماندویی زنان را تعلیم میدهند. جنی مورنی برنامه ساز بی بی سی با این سوال آغاز کرد: آیا قانون شریعه زن ستیز است؟ آنیا خان با ارجاع به تعابیر مختلف از اسلام اعلام کرد که شریعه زن ستیز نیست. آذر ماجدی اعلام کرد که تعابیر مختلف شریعه همگی زن ستیزند، به این خاطر که اسلام و قران زن ستیزند. وی سپس به تعابیر مختلف اسلام در ایران، عربستان سعودی، سودان، الجزایر و افغانستان اشاره کرد و گفت که این قانون شریعه است. جنی مورنی پرسید پس چگونه زنان از آن دفاع میکنند؟ آذر ماجدی گفت که پاسخ این سوال سیاسی است. جنبش اسلام سیاسی توانسته در میان بخشی از مردم منطقه و حتی محیط های اسلامی در غرب بعنوان ایدئولوژی رهایی بخش ظاهر شود و بویژه نسل جوان را در متن وضعیت عراق و حمله به لبنان و حمله اسرائیل به لبنان و تحت عنوان مبارزه ضد امپریالیستی خود جلب کند. اکنون حجاب سیاسی است. یک بیرق سیاسی است. بحث دوباره به مختصات عربان ضد زن قران کشیده شد و آذر ماجدی به مساله تعدد زوجات، حجاب اجباری برای زنان و توصیه به مردان برای کتک زدن زنان اشاره کرد. آنیا خان ابتدا این دستورات را منکر شد و فقط زمانی که آذر ماجدی تاکید کرد که این

جان دلارا دارابی در خطر است!

به یاری دلارا بشتابیم!



عین سوره نسا در قران است، مجبور شد که با توجیحات بسیار و با اکراه بر صحت آن تائید بگذارد. جریان اسلامی میکوشد که از طرق مختلف قدرت را به دست گیرد. وضعیت عراق و افغانستان یک نمونه تراژیک این واقعیت است. در پاکستان طالبان و اسلامیسست ها دست به تعرض زده اند. و در غرب نیز باصطلاح روشنفکران اسلامیسست تلاش میکنند که با توسل به دموکراسی طلبی حاکم با استفاده از استدالات ریاکارانه ای مثل "خود مردم میخواهند" و "این اعتقاد مردم است" حرکات تروریستی و خشونت های این جنبش سیاه را توجیه کنند. استفاده از زنان برای خاموش کردن صدای مدافعین حقوق زن یکی از ترفندهایی است که جمهوری اسلامی همیشه بکار گرفته است. طالبان از جمهوری اسلامی آموخته است.

سازمان آزادی زن با تمام قوا علیه جنبش اسلام سیاسی مبارزه میکند و از هر فرصتی برای افشاء و عقب نشاندن این جنبش ارتجاعی، جنایتکار و زن ستیز استفاده میکند. این اولین بار نیست که زنان در جلوی صف زن ستیزان بحرکت درآمده اند. پاسخ نهایی و دندان شکن به این جنبش در دست جنبش آزادی زن در ایران است. جنبش آزادی زن با مبارزه قاطع خود علیه رژیم اسلامی، موفق خواهد شد که کل جنبش اسلام سیاسی را به حاشیه براند. سازمان آزادی زن گردانی از این جنبش است و قاطعانه برای آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل زن و مرد، برای یک نظام سکولار، آزاد و برابر مبارزه میکند. آینده از آن ماست.

ستم بر زن موقوف!

نه به حجاب!

نه به آپارتاید جنسی!

زنده باد آزادی زن!

سازمان آزادی زن

26 آوریل 2007

www.azadizan.com

محکوم میکند و از کلیه انسانهای آزادیخواه و انسان دوست میخواهد که به این حکم سریعاً اعتراض کنند.

ما تاکنون موفق شده ایم تعدادی انسان را از اعدام و زندان نجات دهیم. آزادی نازنین فاتحی آخرین نمونه این تلاش انسان دوستانه بین المللی است. باید به این تلاش ادامه دهیم و برای آزادی دلارا دارابی با تمام قوا بکوشیم.

اعدام و قصاص ملغی باید
گردد!

زنده باد آزادی و برابری!

سازمان آزادی زن

26 آوریل 2007

طبق گفته وکیل دلارا دارابی، آقای خرمشاهی، حکم قصاص دلارا دیروز مورد تائید قرار گرفته است. این یک جنایت آشکار است. دلارا بارها اعلام کرده است که جنایتی مرتکب نشده و بخاطر کمک به دوست پسرش به قتل اعتراف کرده است. دلارا زمان دستگیری فقط 17 سال داشت. یک کمپین گسترده بین المللی برای نجات دلارا سازمان یافته است. تلاش های بسیاری برای آزادی او انجام گرفته است. پدر دلارا به سازمان های بین المللی حقوق بشر متوسل شده و از آنها کمک طلبیده است. رژیم اسلامی اما دگر بار حکم قصاص دلارا تائید کرده است. سازمان آزادی زن قاطعانه این حکم جنایت کارانه را

ستم بر زن موقوف = نه به مرد سالاری!

سازمان آزادی زن Women's Liberation - Iran

یورش به زنان محکوم است! "مبارزه با بدحجابی" در آستانه اول مه

چند روز از اجرای طرح مبارزه با بدحجابی میگذرد. طبق گزارشات خود رژیم طی چهار روز 150 هزار نفر "در مبارزه با بدحجابی و ناهنجاری های اخلاقی" در تهران دستگیر شده اند. پلیسهای مخفی و علنی، خواهران زینب و حزب اللهی شهر را به اشغال درآورده اند و مردم، بویژه زنان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. هرکه بدحجاب بنظر برسد بازداشت و جریمه میشود و مورد توهین و بی حرمتی قرار میگیرد. یورش اخیر رژیم اسلامی چند روزی پیش از اول ماه مه آغاز شده است. معمولاً این تعرضات کمی پیش از 18 تیر آغاز میشود، تا فضای وحشت و رعب را پیش از 18 تیر در جامعه حاکم کنند. اما امسال رژیم تعرض را به جلو انداخته است. در هراس از یک اول ماه مه گسترده و اعتراضی تعرض حجاب را قبل از اول ماه مه آغاز کرده است. 16 آذر و 8 مارس به رژیم نشان داده است که با اول ماه مه باید جدی تر مقابله کند. جالب اینجاست که از یک سو به جامعه تعرض میکند، و طبق معمول همیشگی، این تعرض با یورش به زنان آغاز میشود، و از سوی دیگر تلاش میکند جنبش کارگری را آرام کند و اول مه را تعطیل اعلام میکنند. این ترندها و تحریکات بیانگر استیصال رژیم اسلام در مقابل مبارزات رو به اوج و رادیکالیزه شده مردم است. فشار مبارزات اعتراضی جنبش حقوق زن، جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و خلاصی فرهنگی هرروز دایره مانور را بر رژیم تنگ تر میکند. تعرض یکی پس از دیگر سازمان داده میشود. مردم اما وقعی نمیگذارند. عملاً به تهدیدات و تلاشهای ارباب رژیم بی اعتنا هستند. زنان به همان شکل سابق لباس میپوشند، آرایش میکنند و به خیابان می آیند. درست زمانی که سوت یورش حجاب زده شده، دانشجویان در دانشگاه های مختلف علیه حجاب و آپارتاید جنسی اعتراض و تحصن سازمان میدهند. اوضاع رژیم آنچنان بهم ریخته است که بر سر همین تعرض حجاب اختلافات در بین هیات حاکمه بالا گرفته و در رسانهها انعکاس پیدا کرده است. همان اختلاف قدیمی، جناحی این برخوردها را تندروانه و تحریک کننده اعتراض مردم میداند و جناح دیگر بر این عقیده است که اگر جلوی بدحجابی را نگیرد، تمام ارکان رژیم متزلزل خواهد شد و به همین خاطر به بدحجابی بعنوان یک مسأله "امنیتی" برخورد میکنند. مبارزه با حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی یک جبهه نبرد مهم علیه رژیم اسلامی است. جنبش آزادی زن با این سلاح مدتها است که به جنگ رژیم ضد زن اسلامی رفته است. سازمان آزادی زن حملات و یورش به زنان را بخاطر بی حجابی و بدحجابی شدیداً محکوم میکند و از کلیه انسانهای آزادیخواه میخواهد که به رژیم اسلامی بخاطر این خشونت عریان اعتراض کنند. سازمان آزادی زن مبارزه ای بی امان برای آزادی زن و علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی را به پیش می برد. به سازمان آزادی زن بپیوندید!

مردم عقب نمی نشینند! یورش حجاب، تاکتیک نخ نما

رو در رویی مردم و رژیم اسلامی هر روز گسترش می یابد. مبارزات معلمین، کارگران، دانشجویان و زنان به واقعیت هر روزه زندگی بدل شده است. علیرغم سرکوب، دستگیری، شکنجه و آزار، مردم سر کوتاه آمدن ندارند. معلمین محکم بر خواستهای خود پای می فشارند و از یک اعتراض به یک تحصن و از یک تحصن به یک اعتصاب دیگر میروند. عزم جزم کرده اند که به خواستهای خود دست یابند و دستگیریهای متعدد در شهرهای مختلف تاکنون تاثیری بر این عزم و اراده نگذاشته است. مبارزات دانشجویی نیز همچنان ادامه دارد. مبارزه علیه تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی یک جبهه مهم این مبارزه است. رژیم اسلامی با دستگیری و ربودن فعالین دانشجویی، میکوشد این مبارزات را سرکوب کند، اما هر اعتراض و دستگیری یک اعتراض وسیع تر را پدید می آورد. لذا رژیم مجبور میشود که ربهوده شدگان را پس از چند روز رها کند. دستگیری رهبران و فعالین کارگری ترغیب دیگر است. نزدیک شدن اول ماه مه رژیم اسلامی سرمایه را به وحشت انداخته است. میخواهد به قولی "گرچه را دم حمله بکشد!" همان کلک و ترغیبی که پیش از 8 مارس بکار بست، با دستگیری فعالین حقوق زن کوشید تا 8 مارس را ملغی کند. اما دستگیری فعالین کارگری، بویژه محمود صالحی، عملاً تکاپوی خاصی را در آستانه اول ماه مه در میان مردم و جنبش اعتراضی بوجود آورده است، همان گونه که دستگیری فعالین حقوق زن کمپین های گستردهای را موجب شد. کمپین برای آزادی محمود صالحی گسترش می یابد. اول ماه مه امسال گسترده تر و با شکوه تر برگزار خواهد شد.

و بالاخره تاکتیک نخ نمای حمله به "بدحجابان" این اسم رمز ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. این سلاح همیشگی جمهوری اسلامی است. حمله به زنان، برافراشتن بیرق حجاب! مردم این تاکتیک را می شناسند. سالهای اخیر پیش از 18 تیر حمله حجاب شروع میشود، امسال "اوضاع چنان پس است" که پیش از اول ماه مه حملات حجاب آغاز شده است. ماشینها را توقیف میکنند، زنان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند، جریمه های کلان میگیرند. این رژیم دله دزدان و آخوندهای "مرد خور" است. با دزدی و کلاشی و بجای بجای 28 سال شیره مردم را مکیده اند. فعالین حقوق زن را پیش از 8 مارس دستگیر کردند و بالاخره چند روز پیش دو نفر آخر را نیز از زندان آزاد کردند. اما به بهانه حجاب تعداد دیگری را در زندان میاندازند. این واقعیت جنبش وسیع مقاومت مردم ایران در مقابل رژیم سیاه سرکوب اسلامی سرمایه است. جنبش مقاومت هرروز وسیع تر و عمیق تر میشود. این واقعیت را هیچکس حتی رژیم اسلامی نمیتواند منکر شود. مردم این رژیم را نمیخواهند. از آن منتظرند. در تکاپوی یافتن راهی برای خلاصی اند. همه میدانند که حتی برای یک ذره سعادت و خوشبختی و رفاه باید از شر این رژیم خلاص شد. ایجاد وحدت و همبستگی میان مردم، مبارزه سازمان یافته علیه رژیم، متضمن دستیابی به این هدف است. سازمان آزادی زن ضمن محکوم کردن این سرکوبها و دفاع و حمایت کامل از مبارزات بحق مردم، برای آزادی و برابری با قاطعیت مبارزه میکند و از تمام فعالین حقوق زن دعوت میکند تا به سازمان آزادی زن بپیوندند. با هم و در کنار هم مبارزه برای آزادی و برابری، رفاه و سعادت و برای آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل زن و مرد را به پیش بریم.



زنده باد آزادی و برابری!
ستم بر زن موقوف!
نه به حجاب اسلامی!
نه به آپارتاید جنسی!
سازمان آزادی زن

20 آوریل 2007 - 31 فروردین

1386



IRNA

گزارشی تکان دهنده از ایران

گزارشی از مریم جعفری در نشریه اینترنتی زنستان

اطلاع رسانی در مورد جرائم نیز میتواند بخشی از کار علیه خشونت در جامعه باشد زیرا در جامعه ما دسترسی به آمار حقیقی در مورد میزان جرائم امکانپذیر نیست.

جرائم با گزارش کردن و دستگیری و تحویل به مقامات و در نهایت زندان پایان می یابد، اما مشکلات بعد از دستگیری قاتل و مجرمین بر خانواده ها آوار می شود که خود شروع ماجراهای دیگری را در پی دارد.

گناه جرائم خشونت بار در جامعه را به تهاجم فرهنگی نسبت دادن یا به گردن ماهواره و اینترنت انداختن، مشکلی را حل نمی کند. با ورود به پشت بام ها به بهانه سالم سازی جامعه، اگر حریم خصوصی افراد بدانیم، انداختن دیشهای ماهواره از پشت بامها با سر و صدا و ترساندن شهروندان هم از تعداد جرمهای جامعه کم نمیکند و جامعه سالم سازی نمیی شود.

اگر انسانها به ویژه جوانان به خطا میروند، خشونت میورزند، دزدی میکنند و معتاد هستند، جامعه شرایطش را برای آنها فراهم میکند. نابرابری، فقر، بیکاری، نداشتن چشم انداز برای آینده، فقدان امنیت و زمینه ساز خشونت اند. آثار و نتایج محرومیت و سخت گیریها علاوه بر از بین بردن سلامت فردی افراد، امنیت و سلامت جامعه را نیز به مخاطره میاندازد.

شاید بشود با وقوع هر حادثه، ریشه یابی عمیق تری صورت گیرد، پیشگیریهای اجتماعی توأم با نظرات کارشناسانه همراه با آگاه سازی و برخورداری از حمایتهای قانونی و اجتماعی و رفع نابرابری انجام شود و از تعداد جرائم خشونت بار کاسته شود. سالهاست که

حادثه ها مشابه هم تکرار و تکرار میشوند. مجرمها دستگیر، محاکمه، زندان و اعدام میشوند. شهروندان با کینه و نفرت مجرمین و حادثه سازان را لعن و نفرین می کنند! همین و دیگر هیچ. این چرخه میعوب همچنان ادامه دارد.

مروری داریم به برخی از جرائمی که در سه ماهه سوم سال 85 اتفاق افتاده، یا به متهمین جرائمی که در این سه ماهه محاکمه شده اند. نیازی به تفسیر و تحلیل نیست به قدر کافی گویاست و تنها کافی است چند حادثه را کنار هم بگذاریم و ببینیم چه "شرعی" می توان از آن داشت.

همسرکشی

5 مهر اعتماد ملی: مردی به خاطر برملا شدن رابطه اش با زن دیگر، خود و همسرش را کشت.

9 مهر اعتماد ملی: مردی خواستگار همسر سابقش را به قتل رسانید. انگیزه قتل را، مزاحمت های مقتول دانست که موجب جدایی وی و همسرش شده بود. 10 مهر اعتماد ملی: مرد 23 ساله ای زن صیغه ای خود را خفه کرد و داخل یخچال گذاشت. وی گفت زمانی که به خانه آمدم سایه مردی را مهر اعتماد ملی: 11 دیدم. مرد 72 ساله زن 62 ساله خود را با ضربات سنگ به قتل رسانید. مرد احساس میکرد که زنش از او متنفر است.

16 مهر اعتماد ملی: در تهران، جوان 23 ساله ادعا می کند چون همسر مطلقه بود و خانواده ام موافق ازدواج ما نبودند او را سوزاندم.

17 مهر اعتماد ملی: در تهرانسر، مردی به خاطر مشکلات خانوادگی همسرش را کشت و خودزنی کرد. 30 مهر اعتماد ملی: در شهرستان ایذه، زنی 28 ساله که همسرش او را به بهانه

رو بوده شده و مورد تجاوز قرار گرفت.

27 مهر اعتماد ملی: جسد تکه تکه شدهی دختر جوانی در حوالی شهرک مخابرات تهران که در پلاستیک پیچیده شده بود کشف شد.

1 آبان اعتماد ملی: جسد دو دختر جوان در تهران کشف شده که هر دو با انگیزه ای نامشخص به قتل رسیده اند. 11 آبان اعتماد ملی: در خرم آباد، جوانی با ادعای فساد اخلاقی خواهرش را با شلیک گلوله کشت.

26 آذر اعتماد ملی: مردی با قندشکن مزاحم همسرش را کشت و ادعا کرد، از ناموس دفاع کردم!! خون مقتول را مباح دانستم!!

27 آذر همشهری: رسیدگی به پروندهی "شکارچی شرق پایتخت". جوان 24 ساله که اولین جنایت خود را در آبان ماه سال گذشته با قتل دختر

21 ساله ای در خیابان گلبرگ آغاز کرده بود، بعد از یک ماه دومین جنایت خود را مرتکب شده و در پی آن به 9 زن دیگر حمله و آنها را مجروح کرده بود، انگیزه ی خود را انتقامجویی از تمام زنان جوان عنوان کرد.

تجاوز

13 مهر اعتماد ملی: در هشترگرد، چند مرد به تجاوزی و قتل 6 زن مفقود شده تهرانی اعتراف کردند.

25 مهر اعتماد ملی: در اصفهان، دختر 22 ساله مورد تجاوز مرد مسافربر قرار گرفت.

9 آبان همشهری: راننده ی آژانس کرایه خودرو دختر 19 ساله را به جای رساندن به مقصد، به خانه ای در منطقه فرحزاد برد و به همراه دوستانش وی را مورد تجاوز قرار داد و بعد او را در گوشه ای از خیابان رها کرد.

16 آبان همشهری: در خرمالو، در پوشش مسافرکشی 23 زن و دختر جوان را ربوده و مورد تجاوز قرار دادند.

21 آبان همشهری: در تهران دختران مدرسه ای قربانیان فیلمبرداریهای "باند

میکرب" شدند. اعضای این باند با خوردن مواد بیهوش کننده به 5 دختر 14 تا 21 ساله آنها را مورد تجاوز قرار داده و از آنها فیلم و عکس گرفته و به این وسیله آنها را تهدید کرده اند.

8 آذر همشهری: در محله مختاری تهران، مرد شید با حربه رُمالی 7 زن را به دخمه اش کشانده و مورد تجاوز قرار داد.

12 آذر همشهری: دو برادر جوان، دختران جوان را اغفال کرده به باغهای اطراف تهران کشانده و مورد تجاوز قرار میدادند.

13 آذر دنیای اقتصاد: در سمنان سه مرد زنی را به زور به خانه ای برده و از او در وضعیت نامناسب عکس و فیلم گرفتند. انگیزه این اقدام را مخالفت زن برای ازدواج متهم با دخترش اعلام کردند.

19 آذر همشهری: چهار پسر جوان با حمله به زنی در آسانسور او را به طبقه 11 ساختمانی در غرب تهران کشانده و مورد تجاوز قرار دادند. در خیر دیگر همان روز در تهران، زن جوانی به دست همسر سابقش با نوشیدنی مسموم و به مشهد برده شد و 4 روز در منزل او شکنجه شد.

26 آذر اعتماد ملی: آزار و تجاوز 8 زن اصفهانی توسط جوان 23 ساله. این جوان پس از دستگیری گفت، با پرسه زدن در خیابانها خانه هایی که زن صاحبخانه تنها بود را شناسایی میکردم و صبح پس از این که مرد به محل کارش میرفت به بهانه های مختلف زن را مقابل خانه میکشاندم و با تهدید چاقو وارد میشدم. او همچنین برای ورود به خانه هایی که از بالای دیوار امکان نداشت خود را مأمور معرفی میکرد. به نقل از روزنامه اعتماد ملی در تاریخ 13 مهر سردار زارعی خیر از برخورد با 40 مجلس پارتی و دستگیری 100 زن خیابانی داد. وی گفت: از 100 زن خیابانی دستگیر شده 53 نفر با اخذ تعهد آزاد شدند و 20 نفر دیگر با

ستم بر زن موقوف = نه به آپارتاید جنسی!

نامه سرگساده به مقامات حکومت کردستان عراق
رسانه های خبری و سازمانهای مدافع حقوق زنان
سازمان حقوق بشر عفو بین المللی دیده بان حقوق بشر

(مرگ پرته مرگ پرواز نیست)

باردیگر تر آزادی عشق و مرگ تکرار شد. این بار قربانی دختری ۱۷ ساله به نام دعا است که به جرم گسستن زنجیرهای سنت و مذهب در معبد تعصب قربانی شد. این بار دستهای جلادان شرف به خون دختری آغشته شد که جسورانه از خط قرمز قوانین ارتجاع قرون وسطایی عبور کرده بود.

قتل فجیع و غیر انسانی این دختر ۱۷ ساله ایزدی در زمره شنیع ترین و وحشیانه ترین قتل‌های ناموسی است. این قتل در شرایطی رویداد که حکومت کردستان علاوه بر اینکه هر ساله میالغ قابل توجهی صرف تقویت نهاد های مدنی دفاع از حقوق زنان مینماید به جنیت های زنان کرد در مناطق دیگر هم کمک میکند دعا در حالی سنگسار شد و جنازه اش برستگرفش خیابان ها کتیده شد که هنوز قطعنامه کنفرانس جهانی زنان کرد در آرپیل بر روی سایت هاست و هنوز عراق شرکت کنندگان این کنفرانس خشک تشنه است.

این جنایت مانند صدها مورد قتل ناموسی دیگر رنگ خطری است. برای فعالین جنبش دفاع از حقوق زنان تا با سیاستی رادیکال تر و همه جانبه تر در مقابل قوانین ارتجاعی و ناموس پرستانه مقابله کنند. تلاش خود را از چهار جوب سخنرانی ها فرا تر برده و یک حرکت اعتراضی گسترده را در جامعه سازمان دهند. با ناموس پرستی و قتل‌های ناموسی باید بطور همه جانبه ای مبارزه کرد. این قوانین ضد زن و ارتجاعی را باید با تعرض سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ریشه کن کرد. باید کاری کرد که قوانین حاکم بر جامعه چنین جنایتی را بطور همه جانبه مجازات کنند. هیچ عذر و بهانه ای قابل قبول نیست. یک وظیفه عمده نهادهای فعال دفاع از حقوق زنان مبارزه همه جانبه با این قوانین کهنه و ضد انسانی است. تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب باید به صف اعتراض علیه این سنتها و آداب رسوم ارتجاعی بیبوندند. این مبارزه ای عمومی و اجتماعی است. دفاع از حقوق و مطالبات زنان امری عمومی و اجتماعی است. قوانین مردسالارانه را باید وسیعاً و بطور همه جانبه ای مورد تعرض قرار داد. زنان کالا نیستند. مطلقاً به کسی نیستند، انسانند، و تمامی قوانین پیشرفته و برابری طلبانه باید در جامعه حافظ امنیت و حقوق زنان باشد.

من از طرف کمیته زنان نویسنده کرد جهان این جنایت را محکوم کرده و از مجامع بین المللی و سازمانهای اعلام شده در زیر میخوام که هر چه زودتر در مجازات عاملین و

قاتلین این جنایت هولناک اقدام کنند. هرگونه تعلق زمینه ساز قتل‌های ناموسی بیشتر است. باید سریعاً اقدام کرد!

- ۱- رئیس محترم اقلیم کردستان
- ۲- جانشین محترم رئیس اقلیم کردستان
- ۳- رئیس پارلمان کردستان
- ۴- وزیر داد کردستان
- ۵- وزیر حقوق بشر کردستان
- ۶- استاندار موصل

رئیس کمیته زنان نویسنده کرد در اثر نشنال این
سپهر چاپچی

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سر دبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران سردبیر
نیاز قانلی اسماعیل اوجی



از میان نامه ها

آذر ماجدی پاسخ میدهد!

وسیع برای حقوق زن در کشورهای غربی در دهه 60 و 70 میلادی، جنبش آزادی زن به گرایشهای مختلفی تقسیم شد. گرایش مارکسیست فمینیست، سوسیال فمینیست و رادیکال فمینیست سه گرایش اصلی بودند. اکنون هیچکدام از این گرایشها فعالیت چشمگیر و بارزی ندارند. سوسیال فمینیسم به گرایش اطلاق میشود که خود را سوسیالیست یا با تمایلات سوسیالیستی میدانند و در عین حال فمینیست. در درون همین گرایش نیز نظرات مختلفی وجود دارد. پروبلما تیک اصلی در میان این جریانها توضیح و تبیین ریشه ستمکشی و علت اصلی وجود و تداوم ستمکشی زن و زن ستیزی است. تئوری پاتریارکی یکی از مباحث اصلی در میان این جریانهاست. در این زمینه نیز نظرات متفاوتی موجود است.

دوست عزیز فریده ج یک شعر و یک مقاله در مورد حقوق زن را برای ما فرستاده اند. با تشکر از ایشان شعر را در این شماره به چاپ میرسانیم و امیدواریم که مقاله را نیز در شماره های آتی چاپ کنیم. شعر ایشان در برنامه تلویزیونی آذر ماجدی در کانال 1 نیز خوانده شد.

از همان بدو تولد به من دروغ گفتند

بر صفحه ذهنم هر آنچه را که خواستند بی شرماتنه نوشتند و کشیدند بعد برای هر نفس کشیدم تبصره صادر کردند برای هر نگاهم محدودیت آوردند

برای هر حرکت من قانون تراشیدند

خواهرم را در چادر و مادرم را در خانه حبس ابد دادند پدرم را به کارخانه بردند و شیره جانش را کشیدند برادرم را تفنگ بدوش به کشتار انسانها گماردند و اینجا اکنون منم و همه آنچه بر ما رفت

وحشتزده از اینکه میادا ستاره سحری از تنگنای شب گذر نکند دیگر و میگویم هرگز میاد چنین سحری

دوستی به نام مهین از تهران نامه ای نوشته اند و نظر ما را درباره جنبش سوسیال فمینیسم پرسیده اند. ایشان نوشته اند که در محافلی حول این گرایش بحث میکنند. مهین عزیز، در متن مبارزات



از ایران آمده ام دوست دارم
با شما صحبت کنم.

دوست عزیز حتما بزودی با شما تماس خواهیم گرفت و امیدواریم که به سازمان آزادی زن بپیوندید. در انگلستان میتوانید همچنین با مریم کوشا و سیروان قادری تماس بگیرید.

سلام بر شما. شمایی که دارید فعالانه مبارزه خود را ادامه میدهید. بامید پیروزی و برابری. سپهر

سپهر عزیز با تشکر از نامه پر محبت تان. با مبارزه قاطع و با اتحاد و همبستگی میتوانیم به پیروزی و برابری دست یابیم. امیدوارم که به سازمان آزادی زن بپیوندید.